



شیوه‌های تربیتی و اصلاحی پیامبر (ص) در جامعه

یکی از جنبه‌های مهم زندگی پیامبر که قابل تأمل است و باید به آن توجه شود شیوه‌شناسی ایشان است؛ اینکه شیوه‌های تربیتی و اصلاحی وی در جامعه چگونه صورت گرفته است موضوعی است که در این مقاله قرار است به آن بپردازیم.

یکی از جنبه‌های مهم زندگی پیامبر که قابل تأمل است و باید به آن توجه شود شیوه‌شناسی ایشان است؛ اینکه شیوه‌های تربیتی و اصلاحی وی در جامعه چگونه صورت گرفته است موضوعی است که در این مقاله قرار است به آن بپردازیم.

شیوه‌شناسی رفتار پیامبر

یکی از نکاتی که در زندگی پیامبر اکرم (ص) قابل توجه و تأمل است شیوه‌شناسی کار پیامبر (ص) است؛ این که حضرت با چه روش و شیوه‌ای توانست جامعه عرب را متحول کند؟ اخلاق جاهلی را از میان آن جامعه ریشه کن کند؟ جامعه‌ای که از نظر اخلاق، اعتقادات و آداب اجتماعی به تعبیر قرآن در پرتگاه آتش بود. شما نگاه کنید بیش از ده مورد، قرآن از بت‌های مشرکین اسم برده که پنج موردش فقط در سوره نوح آیه ۲۳ است؛ بت سواع، یعوق، یغوث، نسر و ودّ بود. در طائف بت لات بود، در بین مسیر مدینه و مکه بت منات بود، در خارج مدینه و مکه در بعضی از قبائل بت عزی بود، در خود مسجدالحرام بت هبل بود، یک بت مرد در صفا بود و یک بت زن (مجسمه زن) در مروه بود که بین این‌ها طواف می‌کردند. گاهی نامشان را عید منات، عبدالعزی، به بندگی این بت‌ها می‌گذاشتند.

این وضعیت اعتقادی در جامعه جاهلی از نظر اخلاق، فخرفروشی، لجاجت، تکاثر و... بود. وقتی که اعمال حج تمام می‌شد می‌آمدند در منا دور هم می‌نشستند، فخر می‌فروختند من چه دارم، تو چه داری، فلانی از ماست، به شخصیت‌های هم، به اموال هم، به گذشته هم، به جنگ‌ها و درگیری‌های هم، حتی اوصاف زن‌هایشان را برای هم بیان می‌کردند و به این صفات افتخار می‌کردند. خداوند در قرآن کریم فرمود: وقتی مناسک تمام می‌شود «قَدْ أَفْضَلْنَا قَضِيَّتُمْ مَتَّاسِيكُمْ قَادُكُرُوا اللَّهَ» در منی یاد خدا کنید. منی که جای فخرفروشی، منیت، غرور و من چه دارم و تو چه داری نیست! جامعه اعراب جاهلی ده جور ازدواج داشتند. ازدواج شغار، ازدواج‌های دیگر، مهریه زن را ازدواج دخترشان تعیین می‌کردند؛ مثلاً دخترش را به آن می‌داد به جای مهریه می‌گفت تو هم دخترت را به من بده. ازدواج‌های بی‌حصر و بی‌حد، بدون ملاک، بدون مینا و بدون حق رأی به زن در جامعه حاکم بود.

شیوه‌های تربیتی و اصلاحی پیامبر (ص) در جامعه

پیامبر (ص) فرمود: هیچ پیغمبری به اندازه من اذیت نشد. مرحوم علامه تهرانی در کتاب مهر تابان، می‌فرماید: بعضی از انبیاء را داخل دیگ انداخته‌اند و سوزانده‌اند، بعضی از انبیاء را وسط درخت گذاشته‌اند و آره کرده‌اند، بعضی از انبیاء را در چاه انداخته‌اند و در چاه را بسته‌اند، مثل اصحاب رسّ که پیامبرشان را داخل چاه انداختند، ولی در عین حال رسول خدا (ص) می‌فرماید: هیچ پیغمبری به اندازه من اذیت نشد؛ این شکنجه‌های جسمی پیامبران سابق شاید بیشتر از رسول خدا (ص) بود. خود همین شکنجه است که یک کسی با آن مقام، عظمت، علم و با آن تعلیمی که خدا به او داده حالا باید بنشینند نزد آدمی که هیچ تشخیصی ندارد و غرق در اخلاق جاهلی است با او صحبت کند. هیچ وقت پیغمبر (ص) با کینه عقل خودش با مردم سخن نگفت چون متوجه نمی‌شدند. این خیلی زحمت می‌خواهد، خود همین شکنجه روحی است یک کسی حرف بزند، سخنرانی کند و مردم مطالبش را مسخره کنند، پنبه در گوش بگذارند و نوک انگشتشان را در گوش کنند که نشنوند.

شاید معنای «ما اؤذیت» این بوده که پیغمبر می‌دید این قدر برای اسلام زحمت می‌کشید، این قدر راجع به اهل بیتش سفارش می‌کند، اما نگاهش به حسین (ع) که می‌افتاد به یاد حادثه کربلا و شهادت او می‌افتاد، نگاهش به امیرالمؤمنین (ع) که می‌افتاد به یاد خانه نشینی او می‌افتاد، نگاهش به حضرت زهرا (س) می‌افتاد به یاد حوادث بیت می‌افتاد، شاید یک معنای «ما اؤذیت» این باشد؛ چون گاهی هم می‌فرمود «ما لی و لیزید» نگاهش به حسین می‌افتاد و می‌فرمود: یزید با حسین ما چه کار داری؟ گاهی به صورت حضرت زهرا (س) نگاه می‌کرد، گریه می‌کرد و همچنین شکنجه جسمی پیامبر (ص) هم می‌تواند باشد؛ «ما اؤذیت» هم اذیت جسمی دید، هم اذیت روحی دید و هم اذیت از پیش بینی وضعیت آینده دید.

عزیزان! اگر شیوه نباشد نمی‌شود این جامعه را عوض کرد. یک جامعه با آن وسعت بت پرستی، با آن وسعت اخلاق ناپسند «وَ كُنْتُمْ عَلَىٰ شَقَا حُرِّوْ مِنْ النَّارِ» با آن وضعیت روابط اجتماعی و اقتصادی ناصحیح که هرکس صبح زودتر از خواب بلند می‌شد کدخدا بود! نه حکومت خاصی و نه مدیریت خاصی دارد، چطور پیامبر (ص) در این جامعه تحول ایجاد کرد. این، آن چیزی است که ضرورت این بحثی را که من گفتم ایجاب می‌کند؛ یعنی شیوه‌شناسی رسول خدا (ص).

من در یادداشت هایم ده دوازده روش را ذکر کرده ام که حالا همه اش را نمی توانم بگویم. یک وقتی هم به یکی از عزیزان این موضوع را دادم و پایان نامه کرد که شیوه های تربیتی و اصلاحی پیامبر چه بود؟ واقعاً هم جای یک کار تحقیقی چند رساله ارشد و دکتری است که رویش کار شود. هر شیوه اش جای یک کار مستقل دارد. حالا من چند موردش را برای شما امروز اشاره می کنم.

شیوه های تربیتی و اصلاحی پیامبر

۱. بشارت و انداز

یکی از شیوه های پیامبر گرامی اسلام (ص) شیوه بشارت و انداز بود که مکرر قرآن روی این تأکید دارد «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَ مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا»

در مسائل تربیتی می گویند محبت زیادی، توقع می آورد. بچه هایی که در کودکی محبت شدید غیرمنطقی می بینند، بزرگ که می شوند، می بینید که با اینکه زن و بچه دارد پدرش را اذیت می کند و توقع دارد، هنوز به برادرش حسادت می ورزد، هنوز به خواهرش حسادت می ورزد، هنوز از مادر پیرش توقع دارد که برخوردش همان برخورد سی سال قبل باشد. همان طور که محبت زیاد توقع می آورد، ملامت زیاد هم لجاجت می آورد. این هایی که بچه ها را مرتب مقایسه می کنند پسرخاله ات قبول شد تو ماندی، او کار دارد تو بیکاری، او موفقیت کسب کرد تو ناموفقی، این باعث لجاجت می شود. این ها روش های تربیتی است که در روایات ما آمده است. علی (ع) فرمود: «الْإِفْرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يُثْبِتُ نِيرَانَ الْجَاحَةِ»، افراط در ملامت - نه اصلش، اصلش لازم است، گاهی باید ملامت بشود - لجاجت می آورد؛ لذا یک پدر در روش تربیتی گاهی باید تشویق کند و گاهی تنبیه و گاهی هم باید تذکر داشته باشد.

یک بچه دو ساله ببیند وقتی سلام می کند برایش کادو می خرید، هدیه می خرید و وقتی یک حرف ناپسندی می گوید دیگر به او محل نمی دهی و با او حرف نمی زنی و بفهمد چون سلام کرد او در آغوش می گیری و چون حرف ناپسند زد به او کم محلی می کنی این باعث می شود قبح و حسن واژه ها را بداند و آنها را بیاموزد. این شیوه پیغمبر اکرم (ص) بود. واقعاً بعضی از اعراب نمی دانستند بت پرستی این قدر بد است، نمی دانستند این ازدواج این آثار منفی را دارد؛ این تعبیر قرآن است «زَيْنَ لَهُ سُوءَ عَمَلِهِ قَرَأَهُ حَسَنًا» اصلاً کار نیک و پسندیده می دیدند. «زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتْلَ أَوْلَادِهِمْ» اصلاً کشتن بچه یک فرهنگ شده بود، قتل اولاد یک شیوه عادی شده بود. یک متد شده بود، «ازلام» که یک نوع قماربازی در بین این ها بود یک بازی عادی شده بود. چطور می شود با این همه مواردی که ذکر شد مبارزه کرد؟ هم روش بشارت می خواهد و هم روش انداز. این یکی از شیوه ها بود.

نمونه ای از رفتار تشویق کننده

جووانی داشت نماز می خواند بعد از نماز دعای فشنگی کرد، رسول خدا (ص) صدایش زد، فرمود: «مَرَحَبًا يَكَّ، لِحُسْنِ تَتَائِكَ» بارک الله چقدر فشنگ دعا می خوانی. خیلی مهم است برای یک جوان، فردی که در اجتماع مطرح است احوالی از او بپرسد این تا آخر عمرش دیگر یادش نمی رود. شما دیدید! بعضی ها می گویند آقا! فلان مرجع جواب سلام مرا داد یا مثلاً به فلان شخصیت نامه ای نوشتم زیرش یک کلمه جواب داد. همین که پیامبر (ص) صدایش زد؛ جوان! بیا. جوان آمد و پیامبر فرمود: «مَرَحَبًا يَكَّ، لِحُسْنِ تَتَائِكَ» بارک الله با این طرز دعاکردنت، این دیگر دعاخوان می شود، این دعاخواندن برایش یک فرهنگ می شود؛ چون تشویق شد.

جعفر بن ابی طالب سال ها حبشه بود، وقتی برگشت رسول خدا (ص) با آموزش نماز جعفر به عنوان یک هدیه او را تشویق کرد و ماندگار شد. این روش است گاهی هم نه، روش انداز است، گاهی هم برخورد؛ باید برخورد شدید باشد، قاطعیت باشد طرف بداند خوب را از بد تشخیص بدهد.

۲. یادآوری نعمت ها

شیوه دوم رسول خدا (ص) یادآوری نعمت بود. یادکردن از نعمت انسان را متحول می کند. شما یک وقت قبرستان می روید، مثلاً تشییع جنازه جووانی، تا چندروز قدر سلامتی مان را می دانیم، قدر عمرمان را می دانیم. یک وقتی من تهران، بهشت زهرا رفته بودم آنجا خیلی جنازه می آوردند و می شویند، تا یک هفته ای حال عادی نداشتم؛ یعنی انسان وقتی همین قدر که می ایستد و صحنه شست و شوی این میت و صحنه دفن را می بیند، تأثیر عجیبی می گذارد. بخش دیالیز دارد، بخش سرطانی ها دارد، بخش عقب افتاده های ذهنی سری بزیم. این سر زدن باعث می شود شاکر نعمات خداوند باشیم. دوستی دارم که سرطان گرفته است - خدا همه مریض ها را خصوصاً ایشان را هم شفا بدهد - جوان است، دو تا بچه دارد، یک مقداری همیشه از شغل و وضع مالی اش و... گله می کرد، هم درآمدش کم بود و هم یک زندگی ساده ای داشت، ولی خوب خودش بود به هر حال زندگی می کرد، سرطان ریه گرفته است. می گفت: فلانی هر دفعه شیمی درمانی می روم ۷۵۰ هزار تومان است یک ماشین داشتم فروختم پولش را گذاشتم، هر دفعه مبلغی می دهم برای این شیمی درمانی در تهران و جواب هم نمی گیرم یعنی دیگر کار

شدید شده است. می گفت کاش به همان وضعیت برگردم، حتی از آن وضعیت قبلی هم فقیرتر اما سالم باشم، درد نکشم. امام سجاد (ع) فرمود: خداوند به حضرت موسی وحی کرد موسی من را پیش بنده هایم محبوب کن! حضرت موسی عرض کرد: چگونه؟ خطاب شد نعمت های مرا یادآوری کن.

نبی مکرم اسلام (ص) فرمود: کسانی وارد صحرائ محشر می شوند که انبیاء و اولیاء به این ها نگاه می کنند، غبطه می خورند - روایت عجیبی است - شخصی می گوید سؤال کردم یا رسول الله! این ها چه کسانی هستند؟ فرمود: این ها کسانی اند که عبادت خدا را پیش مردم با عملکرد، با سخن و با قلمشان محبوب کردند.

پیامبر (ص) غنایم خنن را تقسیم کرد - جنگ حنین اولین جنگ بعد از فتح مکه است - مسلمان ها در این جنگ دو دسته بودند، مدینه ای ها و مکه ای ها، مکه ای ها تازه مسلمان بودند مثل ابوسفیان؛ تا دیروز در جبهه کفر بوده حالا مسلمان شده و به جبهه اسلام آمده است، از روی عقیده هم خیلی هایشان نیامده بودند. پیغمبر اکرم (ص) در این جنگ نوشته اند فقط شش هزار شتر و گوسفند غنیمت گرفتند؛ بنابراین به هرنفری تعدادی شتر داد و به بعضی از مردم مکه که به اصحاب نعم معروفند هرکدام صد شتر داد که این ها هم یک مقدار به اسلام جذب شوند ولی به مردم مدینه غنیمت نداد یا کم داد. یک مقدار به این ها برخورد، گفتند: ما پیغمبر را یاری کردیم، ما به او در جنگ ها کمک کردیم، در جنگ خندق ما بودیم، در جنگ احد ما بودیم، در جنگ بدر ما بودیم؛ حالا این ها سروکله شان پیدا شد، حضرت غنائم را بین این ها تقسیم کرد، سروصدا در لشکر بلند شد، می رفت که به یک غائله تبدیل شود.

عزیزان! مدیریت، خودش را در بحران نشان می دهد، همه جا که آرام باشد مدیریت کردن کاری ندارد، مدیریت مدیر یعنی مدیر بحران. حضرت آمد وسط این ها ایستاد و فرمود: شنیده ام معترضید، آیا شما یادتان رفته با هم دعوا داشتید من آدم مدینه دعواهایتان تمام شد؟ اوس و خزرج چقدر با هم درگیر بودید؟ شما فراموش کردید اسلام را نداشتید من اسلام را به شما عرضه کردم مسلمان شدید؟ شما در ضعف بودید قدرت پیدا کردید، چنین بودید و چنان شدید، یکی یکی حضرت نعمت ها را یادآوری کرد؛ بعد فرمود: البته شما هم می توانید جواب بدهید بگوئید یا رسول الله! خانه نداشتی به تو خانه دادیم، مسجد نداشتی برای مسجد ساختیم، یار نداشتی یاریت کردیم، شبانه از مکه آمدی مدینه، دورت را گرفتیم، بالاخره ما کمک کردیم، حالا حضرت دارد این ها را هی تحریک عاطفه می کند و آنها اشک می ریزند؛ حضرت اول از آن طرف وارد شد بعد از این طرف، خوب که آرام شدند، فرمود: حالا شما غنیمت می خواهید یا پیغمبر می خواهید؟ غنیمت مال دنیا است اما پیامبر برای همیشه ماندگار است. خداوند در قرآن می فرماید: «بَلْ نُؤْتُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى» گفتند: نه یا رسول الله! غنیمت می خواهیم چه کار؟ ما شما را می خواهیم فرمود: من با شما به مدینه برمی گردم، مکه شهر من است اما من نمی مانم. خیلی خوشحال شدند، گفتند: شما بیاید شهر ما همین بس است؛ پیامبر (ص) فرمود: جنازه من در شهر شما دفن می شود. غائله را خواباند، این شیوه یادآوری نعمت و روش تذکر نعمت هاست.

۳. بیدارکردن وجدان ها

شیوه سوم رسول خدا (ص) بیداری وجدان بود؛ البته بحث است بین آقایان که وجدان چیست؟ مرحوم آقای محمدتقی جعفری یک کتاب اصلاً تحت این عنوان دارد. بعضی معاصرین هم وجدان را نیروی مستقلی نمی دانند، می گویند وجدان همان عقل است؛ چیزی به نام وجدان به عنوان یک نیروی مستقل نداریم؛ همان عقل انسان است که یکی از کارکردهایش این است که انسان را به خودش وامی دارد، اسم این را وجدان می گذاریم ولی مرحوم شهید مطهری (ره) در کتابش روی وجدان بحث دارد. حالا وجدان شاید شاخه ای از همان ندای فطری انسان باشد، قرآن کریم هم نفس لواحه دارد. بحث «نفس لواحه» را بعضی ها به وجدان معنا کرده اند؛ حالا معنی این باشد یا نباشد، مستقل بحث علمی اش را نمی خواهم بکنم؛ ولی یک خصوصیت انسان این است، اگر او را به بعضی از چیزها ارجاع بدهی، به خودش می آید؛ ببینید! انسان ویژگی اش این است؛ چون انسان شعور دارد. «فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ» ما به این وجدان می گوئیم؛ اینی که طرف را به خودش برگردانی.

حضرت ابراهیم (ع) وقتی که بت ها را شکست تبر را روی دوش بت بزرگتر گذاشت، آمدند به حضرت ابراهیم (ع) عرض کردند کار چه کسی بوده است؟ فرمود: کار این بت بوده اگر بتواند - دروغ هم نگفتند - این که کار از بت بر نمی آید. فرمود: بارک الله پس اگر کار از بت بر نمی آید چرا جلویش خم می شوید و او را عبادت می کنید؟ این را می گویند «فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ» گفتند: راست می گوید این حرف درستی است. ببینید! آقا! وجدان این است که انسان در یک جایی با دودوتا چهارتا با یک دلیل منطقی خودش به نتیجه برسد که روشش اشتباه است.

طفیل بن عمرو بت پرست و بت ساز بوده است. خودش بت ها را شکست، گفت: من فکر کردم و متوجه شدم تولد من قبل از تولد بت هاست؛ چون آنها را من خودم درست کردم چطور چیزی که خودم ساخته ام خدا می شود؟! این نتیجه سراغ وجدان رفتن می باشد.

وقتی که جناب یوسف به زندان افتاد، قرآن می فرماید: آنجا همسر عزیز مصر گفت که «الآن حَصَّصَ الْحَقُّ» الان فهمیدم که

اشتباه کردم و تهمت زده ام، زلیخا سراغ وجدانش رفت و پشیمان شد.

شماها! شنیده اید که طرف قتل می کند و دست به جنایتی می زند بعد خودش اعتراف می کند، این بیداری وجدان می باشد؛ منتها یک جنبه نقدی که در وجدان هست این است که وجدان در ارتکاب گناه غالباً خاموش است بعد بیدار می شود؛ یعنی آن موقعی که آدم می کشد وجدان نیست وقتی تمام می شود پشیمانی می آید و لذاست که می گویند وجدان منهای ایمان پاسخگو نیست؛ چون ایمان، قبل از ارتکاب گناه دست انسان را می گیرد ولی وجدان نه، سرگرد کلوت که هیروشیما و ناکازاکی را بمباران کرد، بعد پشیمان شد. حالا این پشیمانی که دویست هزار آدم را زنده نمی کند، اشکال وجدان، عملکرد دیرش می باشد.

بیدار کردن وجدان جوان

یکی از شیوه های نبی مکرم اسلام (ص) شیوه بیداری وجدان بود. جوانی خدمت پیامبر (ص) آمد عرضه داشت: یا رسول الله! من دوست دارم مرتکب زنا شوم؛ اصحاب فریاد زدند: ای بی ادب! این چه حرفی است که می زنی؟ حضرت فرمود: اگر یک کسی این حرف را به تو بگوید، به محارم تو بگوید، به خواهر تو و به مادر تو، خوشت می آید؟ گفت: نه یا رسول الله! حضرت فرمود: پس چرا حاضری به ناموس دیگران نظر منفی داشته باشی؟ تو یکی که غریزه جنسی نداری؛ بلکه همه مردم غریزه جنسی دارند.

یک وقتی در خیابان ترافیک شدیدی بود، ماشین ها ایستاده بودند؛ یک آقای در این لاین ماشین های آن طرفی آمده بود، چهل پنجاه تا ماشین را رد کرد، آن جلو که رسید بنده خدایی که در ترافیک ایستاده بود شیشه را پایین کشید و گفت: آقا ببخشید! همه این مردم بیکارند فقط شما یکی کار دارید؟ این ها هم بلدند این کار را بکنند بیندازند توی لاین و راه همه را ببندند. طرف خیلی متأثر شد عقب عقب گرفت، گفت: آقا! کلهش را عقب عقب می روم این حرف تو از ده تا فحش برای من بدتر بود. حالا آنهایی که پشت چراغ قرمز ایستاده اند همه بیکارند که تو، چراغ قرمز است و رد می شوی؟ آنها که چراغشان سبز است باید اسیر تو یکی بشوند؟ آن هم کار دارد چه فرقی می کند؟ همه این جمعیت واقعاً بیکارند؟! این طور نیست؛ بلکه این ها هم کلاس دارند، در این عالم کارمند است، کارگر است، فقط تو یکی کار داری که انداختی آن لاین پنجاه تا ماشین را رد کردی آن هم از لاینی که خط تو نیست. همه مردم در این صف نانوایی بیکارند که تو یک نفر بی نوبتی می کنی؟ همه مردم در این جلسه بیکارند که فقط تو یکی کار داری؟ این طور نیست. بیداری وجدان یکی از روش هایی بود که مکرر رسول خدا حضرت محمد (ص) در برخورد با گنه کاران از آن استفاده می کرد.

4. تشبیه و تمثیل

شیوه چهارم رسول خدا (ص) تشبیه و تمثیل بود. قرآن کریم هم از این روش خیلی استفاده کرده است. حضرت آیت الله سبحانی کل مثال های قرآنی را در یک جلد نوشته و به اسم الأمثال فی القرآن چاپ کرده است؛ و همچنین آیت الله مکارم کل مثال های قرآنی را در دو جلد به نام مثال های زیبای قرآن جمع آوری کرده است. در قرآن خیلی مثال است، وقتی می خواهد انسان های تخیلی را معرفی کند می فرماید: مثل کسی است که سراب را آب می بیند؛ غیرواقعیت را واقعیت می بیند. وقتی می خواهد تأثیرناپذیری بعضی ها را مثال بزند می فرماید: «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ تَبَاثُهُ يَأْذِنُ رِيَهُ» زمین پاکیزه درخت پاکیزه می دهد، محصول پاکیزه می دهد.

وقتی می خواهد آدم های بدطینت و آدم های خوش طینت را معرفی کند می فرماید: «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ قَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» «و مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ قَوْفِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ» استواری روی زمین ندارد. مکرر قرآن کافر را معرفی می کند «فَكَأْتَمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ» مثل کسی که از آسمان سقوط کرده است؛ سقوط آزاد چطور آدم پایین می آید؟ کافر هم این طور استدراجی سقوط می کند. قرآن کریم وقتی می خواهد اضطراب منافق را معرفی کند می فرماید: مثل کسی که در بیابان باشد، رعدوبرق و ظلمات باشد چقدر مضطرب است؟ منافق و کافر این طور اضطراب دارد.

یکی از شیوه های تربیتی شیوه تمثیل است که خیلی هم مؤثر است. حضرت آیت الله حائری دو جلد تمثیلات نوشته است و به چاپ رسانده است. ایشان در تمثیل خیلی قوی است، غالباً در سخنرانی هایش مثال های قشنگی می زند. مثلاً برای توحید، بحث اخلاقی، وفای به عهد، توبه و... این دو جلد تمثیلات ایشان مثال هایی است که خود ایشان آفریده و برای سخنرانی خیلی کتاب خوبی است. برخی عزیزان تفسیر تمثیلی برای قرآن نوشته اند.

تمثیل برای توبه

پیغمبر گرامی اسلام (ص) یکی از شیوه هایش شیوه تمثیل بود؛ پیامبر (ص) یک وقت درخت خشک را دست به شاخه اش می زند تمام برگ های خشک می ریزد؛ سپس می فرماید: سلیمان! سؤال نکردی چرا این کار را کردم؟ عرض کردم: منظور از این کار چه بود؟ فرمود: وقتی مسلمان وضویش را به خوبی گرفت سپس نمازهای پنج گانه را به جا آورد گناهان او فرو می ریزد همچنان که برگ های این درخت فروریخت. دیدید چطور برگ ها ریخت؟ با توبه، گناه این طوری می ریزد. این در ذهن طرف جا می افتد این

همه برگ خشک با یک تکان ریخت، گناه هم این گونه با توبه می ریزد.

تمثیل برای جمع شدن گناهان کوچک

پیامبر گرامی اسلام (ص) وقتی در بیابانِ ظاهراً بدون هیزم می فرماید: هیزم جمع کنید. می گویند هیزمی وجود ندارد؛ می فرماید: بروید هیزم جمع کنید، جمع می کنند یک تلی از هیزم می شود، می فرماید: دیدید اینی که نبود چقدر شد؟ گناه های ریز هم این طور زیاد می شود. یک دروغ، یک غیبت، یک تهمت، یک ناسزا، یک سخن چینی و... وقتی روی هم می گذارید بعد از هفتادسال می بینی که یک تل گناه می شود، پرونده پر می شود. تمثیل گناه ریز با چوب جمع کردن در بیابان، تمثیل توبه با ضربه زدن به یک درخت خشک و ریختن برگ ها، خیلی از این موارد در مثال هایی که رسول خدا (ص) دارد من دیده ام که با تمثیل برای اصحابش جا می انداخت، این همان شیوه تشبیه و تمثیل است. من از این ده دوازده تا شیوه چهارتایش را خدمت شما اشاره کردم برای این که یک قدری بیشتر با فرهنگ رسول خدا (ص) و روش مند بودن ایشان آشنا شویم. ببینید اگر روش نباشد آدم نمی تواند؛ امروز به روش شناسی متدشناسی می گویند که این یک رشته است و خودش بسیار مهم است. این شیوه تربیتی پیامبر گرامی اسلام (ص) بود که به مواردی از آنها اشاره شد.

ان شاءالله خداوند به همه ما توفیق بیشتر شناخت مکتب آن حضرت را عنایت بفرماید.

پینوشت:

توبه، 119.

بقره، 200.

بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۵۵؛ کشف الغمه، ج ۲، ص 53۷؛ المناقب، ج ۳، ص 24۷.

مثیر الأحزان، جلد 2، صفحه 22

آل عمران، 103.

احزاب، 45.

بحار الأنوار، ج ۷، ص ۲۱۲؛ تحف العقول، ص ۸۲؛ روایات تربیتی، ج ۱، ص 204.

فاطر، 8.

انعام، 173.

مستدرک، ج ۱۲، ص 240؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص 4؛ مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۰۸.

اعلی، 16-17.

انبیاء، 64.

یوسف، 51.

اعراف، 58

ابراهیم، 24.

ابراهیم، 26.

حج، 31.

بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۳۱۹.

بحار الأنوار، ج ۷۳، ص 346.

منبع: برگرفته از کتاب سخن آرای 3 (سوگ چهل و هشتم در سخنرانی های استاد دکتر رفیعی)

راسخون